

درس خارج
فقه نظام عمران شهری
جلسه ۱۶ (حریم ۲)

۹۴/۰۱/۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بحث در تبیین مطلب ششم از اصول کلی شهرسازی بود. بیان شد که از منابع و روایات استفاده می‌شود که نظام اسلامی عمران شهری بر خط افقی حرکت می‌کند و لذا ساختمان‌های بلند با مبادی و اصول عمران اسلامی سازگار نیست. مجموعه اول روایاتی بود که در آن‌ها نهی از ارتفاع زیاد ساختمان‌ها شده است، مجموعه دوم روایاتی بود که بر کراهت ساختن مناره‌های بلند وارد شده است و مجموعه سوم نیز روایاتی است که ممنوعیت ساختمان بلندتر از کعبه در مکه مشرفه را نشان می‌دهد.

در مجموعه چهارم بحث دو دسته از آیات و روایت را تشکیل می‌دهد؛ دسته اول آیات و روایاتی که به تعدادی از سنت‌ها و مستحبات شرعی اشاره دارند که این سنت‌ها و مستحبات شرعی با شهری که ساختمان‌های آن بلند باشد سازگار نیست، یعنی مثلاً در نیویورک و بعضی از شهرهایی که همه ساختمان‌های آن سر به فلک کشیده عمل به این مستحبات میسر نیست و ساختمان‌های بلند موجب ترک مطلق این مستحبات و تعطیل این سنن می‌شود.

سنت اول بحث شد که سنت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این بود که ایشان قبل از طلوع فجر برای نماز شب بلند می‌شدند و به آسمان و آیات الهی آسمان می‌نگریستند و آیات انتهایی سوره آل عمران را تلاوت می‌فرمودند. این سنت اول از سنن رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که در ساختمان‌های بلند و زندگی‌های آپارتمان‌نشینی نمی‌توان آن را انجام داد و عملاً میسر نیست.

در مجموعه دوم می‌گوییم که هر روش، کار، رفتار و عملی که منجر به تعطیلی سنت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌شود ممنوع است. خود عمل به مستحب، مستحب است اما کاری که موجب ترک مطلق مستحب شود و موجب تعطیل سنت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شود حرام و ممنوع است.

اگر خود افراد فعل مستحبی را انجام نمی‌دهد و یا گاهی انجام می‌دهد مشکلی ندارد اما اینکه تصمیم بگیرد که من هیچ‌وقت نماز شب نمی‌خوانم، این ممنوع عنه است و همچنین چیزی جایز نیست. اینکه کسی تصمیم بر ترک سنت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بگیرد جایز نیست. بنابراین هر کار و رفتار و تصمیمی که منجر به تعطیلی سنت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شود ممنوع است. مثلاً یک رفتار اجتماعی یا قانونی را بگذارند که این قانون منجر به این شود که یک سنت و یک عمل مستحبی هیچ‌وقت انجام نگیرد و امکانش منتفی شود، این امر جایز نیست.

در مطلب اول به آن سنت‌ها و آداب و مستحباتی اشاره می‌کنیم که اگر ساختمانی بلند ساخته شود و اگر هندسه شهر بر مبنای ساختمان‌های بلند تنظیم شود منجر به تعطیلی این مستحبات می‌شود. مستحب دوم - که اگر دلالت بر وجوب نداشته باشد حداقل دلالت بر استحباب دارد - آیاتی است که می‌فرماید:

«قُلْ أَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ»^۱.

بگو که نگاه کنید که خدای متعال در آسمان‌ها و زمین چه آفریده است.

اما اگر بنا باشد که ساختمان‌های بلند ساخته شود این «قل انظروا» عملی نخواهد شد. سیاق آیه دلالت دارد که این‌طور نیست که در طول عمر یکبار نگاه کنید که آسمان و زمین چه چیزی دارد بلکه معنی آیه این است که این نظر در آسمان و زمین کار معمولتان باشد؛ در آسمان‌ها و زمین نگاه و تدبر کنید. تدبر در آسمان‌ها و زمین یک تعلیم الهی است و مردم باید در آسمان‌ها و زمین تدبر و تأمل کنند. این یکی از عوامل مؤثر در بیداری دل و هوشیاری است و در تبه انسان‌ها مؤثر است. پس کافی نیست که انسان یکبار یا دوبار و یا مثلاً سالی یکبار برود گردش و در آسمان نظر کند.

همچنین آیه دیگر می‌فرماید:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ»^۲.

البته از آنجاکه در این آیه کلمه «سیر» آمده است ممکن است کسی بگوید این ربطی به بحث ندارد اما ما از این «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» می‌خواهیم این معنا را استفاده کنیم که نظر به آیات الهی برای آشنایی با مبدأ و معاد مورد توصیه و تأکید قرآن کریم است. رسول اکرم ﷺ قبل از نمازهای شب دُئشان بر تلاوت این آیات بود. غیر از دُئ ایشان در خود فعل «یتفکرون» که در آیات آمده است جمله حالیه استمراریه است و دلالت ندارد بر اینکه گاهی تفکر کند بلکه دُئ و شیوه‌شان این بوده است. این کار با ساختمان‌های بلند سازگار نیست؛ زیرا اگر ساختمان‌ها بلند باشد اصلاً این حالت به مردم دست می‌دهد که «یتفکرون فی خلق السماوات و الارض» داشته باشند و رابطه بین مردم و آیات آسمانی و زمینی خداوند کاملاً قطع می‌شود به شکلی که ممکن است نسل‌هایی بعدی حتی یک بار هم آسمان یا ستارگان را ندیده باشند. پس نباید زندگی شهری به شکلی باشد که از این آیات الهی بریده باشد و رابطه انسان را با آیات الهی آسمان و زمین قطع کند.

۱. یونس: ۱۰۱

۲. العنکبوت: ۲۰

مطلب سوم از مستحبات و سننی که معتقدیم با این نحو از ساختمان‌ها سازگار نیست و این نحو از ساختمان‌ها منجر به تعطیل این سنت‌ها می‌شود، روایات دال به استحباب استهلال و نگاه به هلال و دعای عند نظر الی الهلال است. هلال به شکل ماه در شب اول ماه قمری گفته می‌شود. روایات و دعاها ی زیادی برای این قضیه وارد شده است. برای نمونه به چند روایت که حاکی از سنت رسول اکرم ﷺ در این باب است اشاره می‌کنیم. مرحوم شیخ صدوق به سندش روایت می‌کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ الْبُغْدَادِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَنبَسَةَ عَنْ دَارِمِ بْنِ قَبِيصَةَ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ، قَالَ أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَصَرِّفُ فِي مَلَكُوتِ الْجَبَرُوتِ بِالتَّقْدِيرِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِحْسَانِ وَكَمَا بَلَّغْتَنَا أَوَّلَهُ فَبَلِّغْنَا آخِرَهُ وَاجْعَلْهُ شَهْرًا مُبَارَكًا تَمَحُّو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَتُثَبِّتْ لَنَا فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَتَرْفَعْ لَنَا فِيهِ الدَّرَجَاتِ يَا عَظِيمَ الْخَيْرَاتِ»^۱

روایت دیگری نیز که سنت رسول اکرم ﷺ را در این باب بیان می‌کند روایتی است که فرزند شیخ به سندش روایت کرده است:

«الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ فِي الْمَجَالِسِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْعَلَوِيِّ عَنْ زَيْدٍ عَنْ عَمِّهِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ الْحَنْفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ رَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ»^۲.

روایت سوم نیز به همین شکل است؛

«وَعَنْ أَبِيهِ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هُوْدَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَكَبَّرَ ثُمَّ قَالَ هَلَالٌ رُشِدِ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِبُيُوتِ الْإِيمَانِ وَ سَلَامَةِ وَإِسْلَامِ وَ هُدًى وَ مَغْفِرَةٍ وَ عَافِيَةٍ مُجَلَّلَةٍ وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۳.

در صحیفه سجادیه نیز دعایی از حضرت سجاده علیا علیه السلام در همین باب روایت شده است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب شهر رمضان، باب ۲۰، ص ۳۲۴، ح ۷.

۲. همان، ح ۸.

۳. همان، ح ۹.

حال آیا به این سنت در شهرهای فعلی عمل می‌شود؟ آیا حتی یک بار هم مردمی که در این شهرها زندگی می‌کنند این اتفاق برایشان می‌افتد؟ پس معلوم است که تعطیل کامل یک سنت پیش می‌آید. شهر باید شهری باشد که مردم به‌طور معمول هلال را ببینند.

سنت چهارم از سنن نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سنن الهی ادعیه فراوانی است که مربوط به طلوع و غروب خورشید است. چقدر این دعاها بیدارکننده و سازنده است. روایات زیادی در این رابطه وارد شده است که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ غَالِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ. قَالَ: هُوَ الدُّعَاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ هِيَ سَاعَةٌ إِيَّابَةٌ»^۱.

روایت دیگری نیز در همان باب وجود دارد:

«عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا تَغَيَّرَتِ الشَّمْسُ فَادْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ يَشْغَلُونَكَ فَقُمْ وَ ادْعُ»^۲.

همین که مغرب رنگ می‌بازد و نزدیک غروب می‌شود برخیز و دعا کن، زیرا وقت دعاست. حتی اگر با قومی در جلسه نشسته‌ای این لحظه که فرارسید بلند شو و دعا کن.

روایت سوم:

«عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ إِبْلِيسَ عَلَيْهِ لَعْنَتُ اللَّهِ يَبْتَثُ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حِينَ تَغِيبُ الشَّمْسُ وَ تَطْلُعُ فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ وَ نَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ عَوَّذُوا صَغَارَكُمْ فِي تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ»^۳.

سپاه ابلیس در ساعات آغاز و پایان روز بسیج می‌شوند؛ پس در این دو ساعت فراوان دعا کنید و فرزندان خود را نیز از ابلیس و شر او به خدا پناه دهید.

روایت چهارم:

۱. همان، ج ۷، ابواب دعاء، باب ۲۷، ص ۷۰ و ۷۱، ح ۱

۲. همان، ح ۲

۳. همان، ح ۳

«وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ الْمَغْرِبِ الْحَدِيثُ»^۱.

در این روایت کلمه واجبه اشاره به تأکید این مطلب دارد.

بنا بر این روایات اگر بخواهیم شهری داشته باشیم که تمامی ساختمان‌های آن بلند باشد در این صورت طلوع و غروب خورشید را نمی‌توان متوجه شد. پس شهر اسلامی باید شهری باشد که امکان دیدن مطلع و مغرب شمس برای عامه مردم میسر باشد.

مطلب پنجم از سنت‌هایی که به نظر می‌رسد با این گونه ساخت و سازها سازگار نباشد روایات فراوانی است که در رابطه با استحباب دعا فی السحر و ما بین الطلوعین وارد شده است. در حال حاضر این ذخایر عجیب و سازنده از آیات و روایات معنوی و تربیتی کلاً در زندگی‌ها به گوشه‌ای رانده شده و تعطیل شده‌اند. اگر می‌گوییم متدین هستیم و نماز می‌خوانیم، پس چرا وضع اخلاقی جامعه ما به این شکل است؟ علت آن است که بخش عظیمی از این آداب تربیتی را کنار گذاشته‌ایم؛ اسلام یک کل واحد است و باید همه اسلام را با هم عمل کرد تا بتوان به آن نتایج دست یافت.

این روایت از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل شده است. - حدیث اربعة مئة به این جهت به این نام معروف شده است که در آن چهارصد دستور از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است. - در ضمن آن آمده است:

«مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى رَبِّهِ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ سَاعَةٍ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ سَاعَةٍ تَزُولُ الشَّمْسُ وَ حِينَ تَهْبُ الرِّيحُ وَ تَفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَ يَصُوتُ الطَّيْرُ»^۲.

در لحظه‌ای که پرندگان در بین الطلوعین به صدا درمی‌آیند لحظه عجیبی است؛ یک ولوله‌ای از صدای پرندگان در جهان راه می‌افتد که منظره عجیبی است، باید دید و نگاه کرد که چه اتفاقی می‌افتد. نظمی که در این صداها برقرار است حیرت‌آور است؛ دسته‌ای از پرندگان اول صدا می‌دهند و دسته‌ای دیگر جواب آن‌ها را می‌دهند و عده‌ای در آخر آواز سر می‌دهند و فضای عجیبی به وجود می‌آورند.

«وَ سَاعَةٌ فِي آخِرِ اللَّيْلِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَإِنَّ مَلَكََيْنِ يُنَادِيَانِ هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى»^۳.

۱. همان، ح ۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ابواب دعاء، باب ۲۵، ص ۶۸، ح ۱.

۳. همان.

هنگام طلوع فجر دو ملک را خدای متعال مأمور می‌شوند که ندا سر دهند: آیا توبه‌کننده‌ای هست که توبه او را خدا بپذیرد؟ آیا سائلی هست که خدا به او اعطا نماید؟

«هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَيَغْفِرَ لَهُ هَلْ مِنْ طَالِبٍ حَاجَةٍ فَتَقْضَى لَهُ فَأَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ»^۱.

طلوع فجر، فراخوان الهی است. همه عالم وجود تحت تأثیر این فراخوان الهی است؛

«وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُقَسِّمُ اللَّهُ فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ عِنْدَ رُكْعَتَيِ الْفَجْرِ إِذَا صَلَّيْتُمُوهَا فَفِيهَا تُعْطَوُا الرَّغَائِبُ»^۲.

در این ساعت طلب رزق و روزی کنید که اثرش از سفر برای تجارت بیشتر است و سریع‌تر نتیجه بخش خواهد بود و نافله صبح را غنیمت شمارید زیرا حاجت‌ها در این دو رکعت برآورده می‌شود و رغائب، آرزوها و امیدها برآورده می‌شود.

روایت دیگر روایتی از امام باقر علیه السلام است که می‌فرمایند:

«عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ دَعَاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَتُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ»^۳.

خدای متعال مؤمن «دعاء» را دوست دارد؛ یعنی مؤمنی که همیشه دعا می‌کند و قبل از نماز و بعد از نماز و در همه جا دعا می‌کند. دعاء صیغه مبالغه داعی یعنی پر دعاء است.

دعای سحر و طلوع خورشید را غنیمت بشمارید و دعا کنید چرا که این ساعت و لحظه‌ای است که ابواب آسمان باز است.

آخرین روایت نیز نظیر روایت قبل است:

«أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: إِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبَهُ، هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ، هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ، هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ»^۴.

سنت دعا کردن بین الطلوعین این لازمه را دارد که افراد بدانند بین الطلوعین چه زمانی است؟

۱. همان

۲. همان

۳. همان، ح ۳

۴. همان، ح ۴

پس باید توجه کرد که این سنت‌های مستحبی شرعی در شهری که ساختمان‌های بسیار بلند داشته باشد و روند ساختار شهری به سمت خطوط عمودی باشد اساساً امکان عمل و اجرا پیدا نمی‌کند و منجر به ترک سنت خواهد شد.

وصلی الله علی محمد و آله و سلم